

کرنش، تنش، و مدولها

mamwad@mailaps.org

محمد خرمی

پارامترها ی مشخص-کننده ی کشسانی ی ماده بررسی میشوند، به ویژه در حالت ی که ماده همسانگرد و انحراف از تعادل کوچک است.

1 کرنش

ذره ای از یک توده که در حالت تعادل در نقطه ی r است، با تغییر شکل ماده به نقطه ی $[r + \psi(r)]$ می‌رود. فاصله ی دُ نقطه ی نزدیک به هم در توده ی تغییر شکل-یافته را با (ds) ، و هم بین فاصله در توده ی در تعادل را با $(ds)_{eq}$ نشان می‌دهیم. در کل این متن، پایه‌ها ی دگرتهی به کار می‌رود. داریم

$$\begin{aligned}(ds)^2 &= (d\mathbf{r} + d\boldsymbol{\psi}) \cdot (d\mathbf{r} + d\boldsymbol{\psi}), \\ &= d\mathbf{r} \cdot d\mathbf{r} + 2 d\mathbf{r} \cdot d\boldsymbol{\psi} + d\boldsymbol{\psi} \cdot d\boldsymbol{\psi}, \\ &= (ds)_{eq}^2 + (\partial_i \psi_j + \partial_j \psi_i + \delta^{kl} \partial_k \psi_i \partial_l \psi_j) dr^i dr^j, \\ &= (ds)_{eq}^2 + 2 \Sigma_{i,j} dr^i dr^j, \end{aligned} \tag{1}$$

که Σ (تانسر کرنش) چنین تعریف میشود.

$$\Sigma_{ij} := \frac{1}{2} (\partial_i \psi_j + \partial_j \psi_i + \delta^{kl} \partial_k \psi_i \partial_l \psi_j), \quad (2)$$

یا تا مرتبه ی یک نسبت به مشتق جابه‌جایی (یعنی وقت مشتق ψ کوچک است)،

$$\Sigma_{ij} := \frac{1}{2} (\partial_i \psi_j + \partial_j \psi_i). \quad (3)$$

توده ی V از یک ماده را در نظر بگیرید. δV (تغییر حجم توده) از این رابطه به دست می‌آید.

$$\begin{aligned} \delta V &= \oint_{\partial V} dS_i \psi^i, \\ &= \int_V dV \partial_i \psi^i, \\ &= V \frac{1}{D} \delta^{ij} \Sigma_{ij}, \end{aligned} \quad (4)$$

که نتیجه میدهد

$$\frac{\delta V}{V} = \frac{1}{D} \delta^{ij} \Sigma_{ij}. \quad (5)$$

همچنین δl_i (تغییر طول پاره‌خطی به طول l_i در راستای i) چنین میشود.

$$\begin{aligned} \delta l_i &= \psi(\mathbf{r} + l_i \hat{\mathbf{e}}_i) - \psi(\mathbf{r}), \\ &= \int_x^{x+l_i} dr'^i \partial_i \psi_i, \\ &= l_i \Sigma_{ii}, \end{aligned} \quad (6)$$

که نتیجه میدهد

$$\frac{\delta l_i}{l_i} = \Sigma_{ii}. \quad (7)$$

در هر دو مُرد فرض شده توده کوچک یا کرنش همگن است، چنان که انتگرال برابر انتگرالده ضرب در بازه ی انتگرالگیری است.

2 تنش

توده ی V از یک ماده را در نظر بگیرید. نیرویی که از طریق تکه ای از مرز این توده با بردار مساحت dS به این توده وارد میشود، با dS متناسب است (نسبت به dS خطی است). این یعنی یک تانسور T

هست که

$$dF_i = -T_{ij} dS^j, \quad (8)$$

که dF بخش ی از نیرو است که از طریق dS وارد میشود. به T تانسُرِ تنش میگوییم. از (8) دیده میشود،

$$F_i = - \oint_{\partial V} dS^j T_{ij}. \quad (9)$$

با این رابطه میشود f (چگالی ی حجمی ی نیرو) را حساب کرد. داریم

$$F_i = - \int_V dV \partial^j T_{ij}, \quad (10)$$

که نتیجه میدهد

$$f_i = -\partial^j T_{ij}. \quad (11)$$

3 گشتاور

از (11) میشود \mathcal{T} (گشتاورِ وارد بر توده) را حساب کرد. تانسُرِ لوی-چیویتا [2] را با ε نشان میدهیم. داریم

$$\begin{aligned} \mathcal{T}_i &= \int_V dV \varepsilon_{ijk} r^j f^k, \\ &= - \int_V dV \partial_m (\varepsilon_{ijk} r^j T^{km}) + \int_V dV \varepsilon_{ijk} (\partial_m r^j) T^{km}, \\ &= - \oint_{\partial V} dS_m \varepsilon_{ijk} r^j T^{km} + \int_V dV \varepsilon_{ijk} T^{kj}. \end{aligned} \quad (12)$$

دیده میشود گشتاور به شکل یک انتگرالِ روی سطح است (درون توده در آن نقش ندارد)، اگر انتگرال دوم صفر باشد. این که انتگرال دوم برای هر ناحیه ای صفر باشد، با صفر بودن انتگرالده هم‌ارز است. پس درون توده در گشتاور وارد بر آن (در اثر نیروها ی سطحی) سهم ندارد، اگر

$$\varepsilon_{ijk} T^{kj} = 0. \quad (13)$$

به این ترتیب، درون توده در گشتاور وارد بر آن (در اثر نیروها ی سطحی) سهم ندارد، اگر تانسُرِ تنش متقارن باشد:

$$T^{ji} = T^{ij}. \quad (14)$$

4 انرژی

توده ای را در نظر بگیرید که از طریق نیروها بی خارجی در سطحش کرنش مییابد. وقت ی نیروها ی خارجی چنان اند که توده تقریباً در تعادل است، انرژی ی جنبشی ی توده ضمن کرنش آن صفر میماند. در این حالت U (انرژی ی پتانسیل توده) هم ان کار نیروها ی خارجی است:

$$\delta U = \oint_{\partial V} dF_{\text{ext}}^i \delta \psi_i, \quad (15)$$

که F_{ext} نیروی خارجی است. شرط تعادل این است که

$$dF_{\text{ext}} = dF, \quad (16)$$

$$f = 0, \quad (17)$$

یا

$$dF_{\text{ext}}^i = -T^{ij} dS_j, \quad (18)$$

$$\partial_j T^{ij} = 0. \quad (19)$$

از اینجا،

$$\begin{aligned} \delta U &= - \oint_{\partial V} dS_j T^{ij} \delta \psi_i, \\ &= - \int_V dV T^{ij} \partial_j \delta \psi_i. \end{aligned} \quad (20)$$

دیده میشود اگر تنش متقارن باشد،

$$\delta U = - \int_V dV T^{ij} \delta \Sigma_{ji}. \quad (21)$$

5 رابطه ی هوک

در حالت کلی، تنش در زمان t در نقطه ی r تابع کرنش در زمانها ی نابزرگتر از t و همه ی مکانها ست. اما در خیل ی از موارد، اگر کرنش کوچک باشد این تابعیت نقطه ای است (یعنی تنش در یک زمان و یک مکان به کرنش در فقط هم ان زمان و هم ان مکان بسته گی دارد) و خطی است. یعنی

یک تانسور M هست که

$$T^{ij} = -M^{ij}{}_{kl} \Sigma^{kl}. \quad (22)$$

به این رابطه یِ هوک [3] میگویند. در این رابطه M نسبت به شاخصها یِ سوم و چهارم ش متقارن است. دیده میشود اگر

$$M_{kl}{}^{ij} = M^{ij}{}_{kl}, \quad (23)$$

آنگاه

$$T^{ij} \delta \Sigma_{ji} = \frac{1}{2} \delta(T^{ij} \Sigma_{ji}). \quad (24)$$

در این صورت،

$$U = -\frac{1}{2} \int_V dV T^{ij} \Sigma_{ji}. \quad (25)$$

متناظر با تانسور N تعریف میکنیم

$$N_{(0)}^{ij} := \frac{1}{D} \delta^{ij} \delta_{kl} N^{kl}, \quad (26)$$

$$N_{(1)}^{ij} := \frac{1}{2} (N^{ij} - N^{ji}), \quad (27)$$

$$N_{(2)}^{ij} := \frac{1}{2} (N^{ij} + N^{ji}) - \frac{1}{D} \delta^{ij} \delta_{kl} N^{kl}. \quad (28)$$

$N_{(0)}$ و $N_{(1)}$ و $N_{(2)}$ بخشها یِ به ترتیب متناسب با متریک، پادمتقارن، و متقارن ببرد N اند، و D بُعد فضا است. دیده میشود

$$N = N_{(0)} + N_{(1)} + N_{(2)}. \quad (29)$$

البته در $D = 4$ ، بخش پادمتقارن را میشود به دُ بخش دیگر تجزیه کرد. از این پس فرض میکنیم D مخالف 4 است. با اعمال تجزیه یِ مشابه یِ برای M ، نتیجه میشود

$$M = M_{(0,0)} + M_{(0,2)} + M_{(1,0)} + M_{(1,2)} + M_{(2,0)} + M_{(2,2)}, \quad (30)$$

که در آن شاخصها یِ اول و دوم درون پراوتر متناظر با زُج-شاخصها یِ اول و دوم M اند، و چون M نسبت به زُج-شاخص دوم متقارن است،

$$M_{(a,1)} = 0. \quad (31)$$

به این ترتیب،

$$T_{(a)} = -M_{(a,0)} \Sigma_{(0)} - M_{(a,2)} \Sigma_{(2)}. \quad (32)$$

6 همسانگردی

وقت ی ماده همسانگرد باشد، با چرخاندن تانسور کرنش تانسور تنش هم به هم ان اندازه میچرخد. این یعنی اگر R یک دوران باشد،

$$M^{i,j}_{k,l} R^k_m R^l_n = R^i_p R^j_q M^{p,q}_{m,n}, \quad (33)$$

یا به شکل بسته

$$M(R \otimes R) = (R \otimes R) M. \quad (34)$$

تجزیه ی تانسور N به شکل (29)، در واقع تجزیه ی N به نمایشها ی کاهش-ناپذیر دوران است: N در حاصل ضرب تانسوری ی دُ فضا ی نمایش برداری ی دوران است. حاصل ضرب تانسوری ی دُ نمایش برداری به نمایشها ی اسکالر، تانسور پادمتقارن، و تانسور متقارن ببرد تجزیه شده. با تجزیه ی $(R \otimes R)$ به هم ین نمایشها، از (34) نتیجه میشود

$$M_{(a,b)}(R \otimes R)_{(b)} = (R \otimes R)_{(a)} M_{(a,b)}. \quad (35)$$

از اینجا بر اساس لمها ی شور [4] (مثلن [5]) نتیجه میشود

$$M_{(a,b)} = \mu_{(a)} \delta_{ab} \mathbf{1}, \quad (36)$$

که $\mathbf{1}$ همانی و $\mu_{(a)}$ عدد است. به این ترتیب از (36) نتیجه میشود

$$T_{(0)} = -\mu_{(0)} \Sigma_{(0)}, \quad (37)$$

$$T_{(1)} = 0, \quad (38)$$

$$T_{(2)} = -\mu_{(2)} \Sigma_{(2)}. \quad (39)$$

رابطه ی (38) یعنی تنش متقارن است. از (37) و (39) هم دیده میشود رابطه ی تنش با کرنش از طریق فقط دُ پارامتر اسکالر است. در این حالت،

$$T_{ij} = -\mu_{(2)} \Sigma_{ij} - \frac{1}{D} [\mu_{(0)} - \mu_{(2)}] \delta_{ij} \delta^{kl} \Sigma_{kl}, \quad (40)$$

یا

$$\Sigma_{ij} = -\frac{1}{\mu_{(2)}} T_{ij} - \frac{1}{D} \left[\frac{1}{\mu_{(0)}} - \frac{1}{\mu_{(2)}} \right] \delta_{ij} \delta^{kl} T_{kl}. \quad (41)$$

رُشن است که وقت ی رابطه ی هُوک [3] درست است و محیط همسانگرد است، رابطه ی (23)

درست است. در این حالت رابطه ی (25) برا ی انرژی ی پتانسیل میشود

$$U = \frac{1}{2D} \int_V dV \mu_{(0)} (\delta^{ij} \Sigma_{ij})^2 + \frac{1}{2} \int_V dV \mu_{(2)} \delta_{il} \delta_{jk} \Sigma_{(2)}^{ij} \Sigma_{(2)}^{kl}. \quad (42)$$

شرط این که تعادل توده پایدار باشد این است که

$$\mu_{(0)} > 0, \quad (43)$$

$$\mu_{(2)} > 0. \quad (44)$$

7 مدولها

در کل این بخش، فرض بر این است که ماده همسانگرد است و رابطه ی هُوک برا ی آن درست است.

توده ای را در نظر بگیرید که تحت یک تنش همسانگرد است، یعنی

$$T_{ij} = P \delta_{ij}. \quad (45)$$

P فشار وارد بر توده (یا انحراف فشار وارد بر توده نسبت به یک حالت تعادل) است. از (41)

دیده میشود

$$\Sigma_{ij} = -\frac{P}{\mu_{(0)}} \delta_{ij}. \quad (46)$$

به این ترتیب، از (5) نتیجه میشود

$$\frac{\delta V}{V} = -\frac{P}{\mu_{(0)}}. \quad (47)$$

B (مدول کپهای) و κ (تراکم-پذیری) چنین تعریف میشوند.

$$\frac{\delta V}{V} =: -\frac{P}{B}, \quad (48)$$

$$\frac{\delta V}{V} =: -\kappa P. \quad (49)$$

پس،

$$B = \mu_{(0)}, \quad (50)$$

$$\kappa = \frac{1}{\mu_{(0)}}. \quad (51)$$

توده ای را در نظر بگیرید که تحت یک تنش است که فقط یک مؤلفه ی ناصفر دارد:

$$T_{ij} = \Pi \delta_i^1 \delta_j^1. \quad (52)$$

تنش ی به این شکل یعنی توده را در یک راستا میفشاریم (یا میکشیم). همه ی اجزای نیروی خارجی در راستای محور 1 اند، و Π نیرو بر تصویر مساحت عمود بر محور 1 است. از (41) نتیجه میشود

$$\Sigma_{ij} = -\frac{\Pi}{\mu_{(2)}} \delta_i^1 \delta_j^1 - \frac{\Pi}{D} \left(\frac{1}{\mu_{(0)}} - \frac{1}{\mu_{(2)}} \right) \delta_{ij}. \quad (53)$$

به این ترتیب، از (7) نتیجه میشود

$$\frac{\delta \ell_{\parallel}}{\ell_{\parallel}} = -\frac{\Pi}{D \mu_{(0)}} - \frac{(D-1)\Pi}{D \mu_{(2)}}, \quad (54)$$

$$\frac{\delta \ell_{\perp}}{\ell_{\perp}} = -\frac{\Pi}{D} \left[\frac{1}{\mu_{(0)}} - \frac{1}{\mu_{(2)}} \right], \quad (55)$$

که \parallel و \perp یعنی به ترتیب موازی با و عمود بر راستای نیروی خارجی. در حالتِ بالا موازی 1 و عمود راستای عمود بر 1 است. Y (مدول یانگ [6]) و ν (نسبت پُوسُن [7]) چنین تعریف میشوند.

$$\frac{\delta \ell_{\parallel}}{\ell_{\parallel}} =: -\frac{\Pi}{Y}, \quad (56)$$

$$\frac{\delta \ell_{\perp}}{\ell_{\perp}} \frac{\ell_{\parallel}}{\delta \ell_{\parallel}} =: -\nu. \quad (57)$$

پس،

$$Y = D \left[\frac{D-1}{\mu_{(2)}} + \frac{1}{\mu_{(0)}} \right]^{-1}, \quad (58)$$

$$\nu = \left[\frac{D-1}{\mu_{(2)}} + \frac{1}{\mu_{(0)}} \right]^{-1} \left[\frac{1}{\mu_{(2)}} - \frac{1}{\mu_{(0)}} \right]. \quad (59)$$

از جمله معلوم میشود

$$\begin{aligned} \mu_{(2)} &= (D-1) \left(\frac{D}{Y} - \frac{1}{B} \right)^{-1}, \\ &= B \frac{1 - (D-1)\nu}{1 + \nu}. \end{aligned} \quad (60)$$

همچنین،

$$\begin{aligned} \nu &= \frac{1}{D-1} \left(1 - \frac{Y}{B} \right), \\ Y &= [1 - (D-1)\nu] B. \end{aligned} \quad (61)$$

به این ترتیب، از شرطها ی پایداری ی (43) و (44) نتیجه میشود

$$0 < \frac{Y}{B} < D, \quad (62)$$

$$-1 < \nu < \frac{1}{D-1}. \quad (63)$$

مدول کپهای نسبت منفی ی تغییر فشار به تغییر نسبی ی حجم است، وقت ی تنش همسانگرد باشد. تراکم-پذیری عکس مدول کپهای است. مدول یانگ [6] نسبت نیرو ی کشش بر مساحت، به تغییر نسبی ی طول در راستا ی نیرو است، وقت ی نیرو در فقط یک راستا اعمال شود. نسبت پُوسُن [7] منفی ی تغییر نسبی ی طول در راستا ی عمود بر نیرو، به تغییر نسبی ی طول در راستا ی نیرو است، وقت ی نیرو در فقط یک راستا اعمال شود.

اختلاف شاره با جامد در آن است که در یک شاره ی ساکن، تنش همسانگرد است. این یعنی در

شاره ی ساکن

$$\mu_{(2)} = 0, \quad (64)$$

یا در شاره ی ساکن مدول یانگ [6] صفر است:

$$Y = 0. \quad (65)$$

8 پانوشتها

- [1] L. D. Landau & E. M. Lifshitz; "Theory of elasticity" 3rd edition (Pergamon Press, 1986) chapter 1
- [2] Levi-Civita
- [3] Hooke
- [4] Schur
- [5] H. F. Jones; "Groups, representations and physics" 2nd edition (IoP Publishing, 2002) section 4.1

[6] Young

[7] Poisson